گزارش «شبکه شرق» از موج گسترده برخورد با کسب‌وکارها و آسیب‌های آن برای شاغلین

پلمب؛ ویروسی ویران‌کننده‌تر از کرونا

◆ فرشته طوسی، پژوهشگر اجتماعی: یکی از اقشاری که به صورت ناخودآگاه ناچار به حذف از عرصه عمومی می‌شوند، زنان هستند. در واقع تلاش زیادی باید از سوی کسانی که تحت تبعیض هستند صورت بگیرد تا بتوانند خودشان را حفظ کنند

◆ پرویز صداقت، اقتصاددان: ما دچار یک رکود تورمی مزمن هستیم و کسب‌وکارها هم به‌شدت متأثر از این رکود تورمی هستند. وقتی دولت یا دستگاه‌های حاکمیتی این واحدها را پلمب کرده و فعالیت اقتصادی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ضربه دیگری به آنها وارد می‌شود

خیابان سروش تهران عرصه حضور مردان و زنانی است که عموما به محض رسیدن جلوی در ورودی ساختمان اماکن آستین‌های‌شان را پایین می‌کشند، دکمه یقه‌ها را سفت می‌کنند، روسری‌ها را جلو می‌کشند و به امید گرفتن برگه فک‌پلمب وارد ساختمان می‌شوند. اما چهره‌های‌شان هنگام خروج عموما نشانی از امید ندارد؛ مثل آن پیرمرد عصابه‌دستی که فاصله ماشین تا در ورودی را به‌سختی و در چند دقیقه طولانی طی کرد و وقتی از در بیرون آمد، دیگر نا نداشت خودش را تا ماشین بکشاند و همین‌طور چند دقیقه‌ای رو به خیابان، به عصایش تکیه زد و خیره به دیوار روبه‌رو ایستاد. پیرمردی که مغازه لباس‌فروشی‌اش را پلمب کرده بودند و آمده بود که کسب‌وکار روزهای پیری‌اش را نجات دهد؛ اما گفته بودند برو چهار روز دیگر بیا ببینیم چه می‌شود. از این نمونه‌ها آنجا زیاد است. پسری که دوان‌دوان خودش را به کوچه پایینی رساند تا از تیررس دوربین‌ها دور شود و بعد لگد محکمی زد توی درخت. زنی که آمد بیرون و چنان به پهنای صورت اشک می‌ریخت که چشمش ماشینی را که داشت از خیابان عبور می‌کرد، ندید و صدای بوق پژوی سبزرنگ تاکسی، او و ما را متوجه موقعیت کرد. اماکن را شاید بتوان یکی از پرمراجع‌ترین نهادهای این روزهای حداقل پایتخت دانست؛ نهادی که در این چهارماهه بعد از عید، میزبان صاحبان کسب‌وکاری است که زیست‌شان در گرو برگه‌ای است که در آن ساختمان دست‌شان می‌دهند. نوع برخوردها متفاوت است؛ قاعده و قانون مشخصی ندارد. همه چیز به تصمیم مسئولان نشسته در ساختمان‌های اماکن برمی‌گردد. یکی یک‌روزه مشکلش حل می‌شود، دیگری یک‌هفته‌ای، آن یکی یک‌ماهی است پلمب شده، آن دیگری در طول یک ماه دو بار کسب‌وکارش را تعطیل کرده‌اند.

شلیک تیر خلاص به اقتصادهای کوچک

مدیر یکی از کسب‌وکارها می‌گوید بعد از خروجش از مجموعه دو نفر آقا مراجعه کرده و به دلیل اینکه یکی از مشتریان حجاب نداشته و یکی از پرسنل‌شان کلاه سرش بوده، پلمب‌شان کرده‌اند: «ساعت هفت غروب آمدند و گفتند فردا هشت صبح بیایید اداره اماکن نامه پلمب را تحویل بگیرید. من گفتم قبلا حداقل اخطار می‌دادند، بعد در دفعات بعدی پلمب می‌کردند که آقایان جواب دادند این مال قدیم بوده و الان دیگر از این خبرها نیست». طبق توضیحات او، از ساعت هفت تا ۱۰ صبح در خیابان مانده؛ چون داخل پایگاه اماکنی که باید به آنجا مراجعه می‌کرده، راهش نداده‌اند. بعد از ورود هم به او اجازه صحبت‌کردن و توضیح نداده‌اند و نهایتا با اعلام اینکه قانون این است، نامه پلمب را داده‌اند دستش و یک ساعت بعد فردی از اماکن به مجموعه‌شان مراجعه و آنجا را پلمب کرده است: «مجموعه من ۱۸ روز پلمب بود. ۶۰ میلیون تومان اجاره ساختمان ماست؛ ۱۸ روز پلمب به معنی حدود نزدیک به ۴۰ میلیون تومان ضرر است. ۱۶ پرسنل هم داشتم که مجبور بودم حقوق همه‌شان را هم در آن مدت پرداخت کنم. علاوه بر همه اینها من نزدیک به ۱۵، ۲۰ میلیون تومان هم بابت مواد اولیه‌ای که خراب شد، ضرر کردم». پرویز صداقت، اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شبکه شرق» با اشاره به ضرری که این کسب‌وکارها متحمل می‌شوند، چنین برخوردهایی را «تیر خلاص» به آنها می‌داند: «ما دچار یک رکود تورمی مزمن هستیم و کسب‌وکارها هم به‌شدت متأثر از این رکود تورمی هستند. واحدهایی مثل کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها و واحدهای فرهنگی عموما بیشترین آسیب را از رکود تورمی این سال‌ها دیده‌اند؛ چراکه کالاهایی که عرضه می‌کنند، کالاهایی هستند که در برابر قیمت بسیار حساس‌اند و با افزایش قیمت، تقاضای آنها به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. حالا وقتی دولت یا دستگاه‌های حاکمیتی این واحدها را پلمب کرده و فعالیت اقتصادی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ضربه دیگری به آنها وارد می‌شود. بسیاری از این واحدها پیشاپیش در آستانه ورشکستگی قرار داشتند، چه رسد به اینکه با جرائم سنگین و پلمب‌شدن و مسائلی از این دست مواجه شوند؛ بنابراین انجام چنین کارهایی مثل تیر خلاص زدن به بخش‌هایی کوچک از اقتصاد است». ضربه‌ای که این پژوهشگر اقتصاد سیاسی از آن یاد می‌کند، همان چیزی است که منجر به تعطیلی چند کسب‌وکار در ماه‌های اخیر شده است. در همین هفته گذشته یکی از کافه‌های معروف تهران در حساب اینستاگرامی خود اعلام کرد که برای همیشه کسب‌وکارش را تعطیل کرده است. صاحب یک کسب‌وکار زنجیره‌ای هم در توضیح ضرر اقتصادی که این پلمب‌ها به کسب‌وکارش وارد کرده‌اند، می‌گوید: «اگرچه به ظاهر تعداد روزهای پلمب ممکن است کم به نظر برسد؛ اما ضربه سنگینی به اقتصاد مجموعه وارد می‌کند. در هر شعبه‌ای که مثلا به مدت پنج روز پلمب می‌شود، بسته به اینکه کدام شعبه باشد، بین ۱۵۰ میلیون تا ۳۰۰ میلیون تومان فروش نداریم. اینکه چه میزان از این مبلغ سود باشد، بحث دیگری است؛ اما مثلا یکی از شعب ما را روز چهارشنبه قبل از عید فطر پلمب کردند تا بعد از عید فطر، یعنی ما در بهترین تایم کاری، پلمب بودیم». به گفته او، دو شعبه از فروشگاه‌هایش تا الان هرکدام دو بار پلمب شده‌اند: «وقتی می‌آیند برگه تذکر به ما می‌دهند؛ اما هنگام مراجعه به پایگاه اماکن می‌گویند واحد پلمب شده و ۲۴ ساعت فرصت می‌دهند و بعد هم برای پلمب می‌آیند. چند روزی پلمب می‌شویم و بعد هم با دادن تعهد فک‌پلمب صورت می‌گیرد»؛ اما دادن تعهد و بازشدن مجموعه به معنی پایان‌یافتن مشکلات نیست. چنان‌که مدیر یکی از کسب‌وکارها می‌گوید، اگرچه یک بار به مدت یک هفته پلمب شده؛ اما بعد از آن ۱۴ بار به مجموعه‌شان مراجعه کرده‌اند. صاحب یک کسب‌وکار دیگر هم می‌گوید در طول یک ماه پنج بار به مجموعه‌اش مراجعه کرده‌اند که نتیجه آن دو بار پلمب در مدت یک ماه بوده؛ یعنی نزدیک به یک ماه پلمب در کمتر از ۳۵ روز: «اولین بار ساعت ۱۲ شب از یکی از پایگاه‌های اماکن به مجموعه ما آمدند. آن شب اتفاقی نیفتاد و چون زمان تعطیلی مجموعه بود، رفتند. فردا دوباره آمدند؛ این بار ظهر نزدیک‌های ساعت سه آمدند و گفتند فردا برای تعیین تکلیف بیایید. هنوز درگیر رفت‌وآمد به آن پایگاه و تعیین تکلیف وضعیت‌مان بودیم که این بار از اماکن مرکزی تهران آمدند و کلا پلمب‌مان کردند». به گفته او این پلمب نزدیک به یک ماه طول کشیده: «همان روز اول بعد از پلمب، چهار نفر از نیروهایم از ترس تعطیلی کامل مجموعه و بی‌کارماندن، از ما جدا شدند. تمام اجاره یک ماه را مجبور شدیم پرداخت کنیم. مواد اولیه‌مان از بین رفت. هر روز می‌رفتیم اماکن و جوابی نمی‌گرفتیم تا بالاخره بعد از یک ماه رضایت دادند مجموعه باز شود»؛ ولی این پایان ماجرا نیست؛ با توجه به تعطیلی یک‌ماهه نیاز به یک‌سری آمادگی‌ها برای بازگشایی مجدد مجموعه بوده که در همین فاصله دوباره از یکی از پایگاه‌های اماکن برای پلمب به مجموعه‌شان مراجعه می‌کنند: «یک روز ظهر دوباره آمدند. گفتند باید تعطیل شوید و فردا بیایید برای تعیین تکلیف. بدون هیچ توضیح مشخصی. وقتی آمدند مجموعه هنوز تعطیل بود و هیچ مشتری و مراجعه‌کننده‌ای هم آنجا نبود. آن بار توانستیم مشکل را حل کنیم و پلمب نشدیم؛ اما هنوز یک هفته از بازگشایی مجموعه نگذشته بود که مأموران اماکن دوباره آمدند و برای بار دوم در کمتر از یک ماه پلمب‌مان کردند».

زنان؛ قربانیان پنهان پلمب‌ها

مراجعات متعدد فقط برای این مجموعه اتفاق نیفتاده است. چنانچه کسب‌وکار دیگری در طول یک ماه دو بار پلمب شده، مجموعه دیگری در طول چند ماه گذشته سه بار پلمب شده که دو بار آن در فاصله‌ای سه هفته‌ای اتفاق افتاده است: «یک بار ۱۰ روز پلمب شدیم، یک بار هفت روز و بار دیگر دو هفته». مدیر یکی از کسب‌وکارها معتقد است که این کار قراردادن مردم مقابل همدیگر است و نهایتا هم نتیجه خوبی به همراه نخواهد داشت: «نمی‌شود که همه کسب‌وکارها را پلمب کنند. بالاخره مردم باید کار کنند. نمی‌شود که مردم را جلوی هم قرار بدهند و معیشت و زیستشان را به این موضوع گره بزنند. با پلمب‌کردن و زهر چشم گرفتن از صاحبان کسب‌وکار و بریدن نان چند نفر، کاری درست نمی‌شود». در بسیاری از این کسب‌وکارها، ۱۵، ۲۰ نفر کار می‌کنند. پلمب‌کردن مشاغل، امنیت شغلی این افراد را به خطر می‌اندازد و نهایتا در برخی موارد هم ممکن است منجر به ازدست‌دادن کامل شغلشان شود. موضوعی که موجب نگرانی برخی از مدیران کسب‌وکارها هم هست. یکی از این صاحبان کسب‌وکار می‌گوید این فشارها منجر به بی‌کارشدن زنان می‌شود، چراکه در نتیجه فشاری که به کارفرما می‌آید، نهایتا ممکن است آنها تصمیم به حذف زنان و فقط استفاده از نیروهای مرد بگیرند: «در یکی از شعب آن‌قدر به ما فشار آوردند که ما مجبور شدیم کارمندان زن را به شعبه دیگری بفرستیم. بعد از آن اعلام کردیم که ما دیگر در این شعبه کارمند زن نداریم اما باز هم بعد از مدتی شعبه‌ای که فقط کارمند مرد در آن داشتیم، پلمب شد. البته قصد ما به هیچ عنوان حذف زنان نبود. چنانچه همه کارمندان زن در شعبه دیگری به کارشان ادامه دادند اما خب بعضی کارفرماها ممکن است چنین انعطاف و روحیه‌ای نداشته باشند یا اصلا مثل ما زنجیره‌ای نباشند که بتوانند کارکنان زن را بین شعب جابه‌جا کنند و نهایتا باید دست به حذف آنها بزنند». حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی که ناشی از فشارهای این روزهاست، نگرانی و دغدغه یکی دیگر از صاحبان کسب‌وکار هم هست: «این اقدام‌ها ممکن است نهایتا به حذف زنان از برخی کسب‌وکارها منجر شود. بعضی مأموران رسما اعلام می‌کنند که زنان را مرخص کنید یا در محلی مشغول باشند که در چشم نباشد». او که کسب‌وکارش به مدت ۹ روز در ماه گذشته پلمب بوده، معتقد است که علاوه‌بر این برخوردها، این فشارها گاهی چنان زنان را به لحاظ روانی تحت فشار قرار می‌دهد که ممکن است خودشان تصمیم به ترک کار بگیرند. با وجود این، مدیر یکی دیگر از کسب‌وکارها می‌گوید که اتفاقا تذکرهایی که گرفته‌اند نه به خاطر حجاب زنان که به خاطر انتخاب متفاوتی است که برخی کارمندان مردش دارند. این مدیر می‌گوید نمی‌تواند آن‌طورکه مسئولان می‌خواهند برای مردم تعیین تکلیف کند و به آنها تذکر دهد، چراکه نتیجه آن فرق چندانی با پلمب و تعطیلی ندارد: «اگر من به مردم تذکر بدهم، محل کارم خلوت می‌شود و مراجعه‌کننده‌ای نخواهم داشت. موارد زیادی داشته‌ایم که بعد از تذکردادن، مجموعه ما را ترک و از مراجعه دوباره هم خودداری کرده‌اند».

فرشته طوسی، پژوهشگر علوم اجتماعی، علت این برخوردها را تلاش برای کنترل فضای اجتماعی می‌داند: «هر دولتی تلاش می‌کند تا به وسیله یک‌سری ابزارهای معمولی که در اختیار دارد، فضای اجتماعی را تحت کنترل خود دربیاورد. اما زمانی که این ابزارهای معمولی دیگر کارکرد سابق خود را نداشته باشند، ممکن است تصمیم بگیرند خود را از ماجرا بیرون بکشند و با تضعیف‌کردن جامعه، افراد جامعه را منفرد کنند تا دیگر قدرتی از خود نداشته باشند و هم‌زمان میدان را به دست اصناف، فضاهای شهری و گروه‌های دیگری بدهند تا فضای اجتماعی را به نفع ایدئولوژی خود کنترل کنند». طوسی به «شبکه شرق» می‌گوید: «کسانی در این جامعه تضعیف شده‌اند زودتر از همه آسیب می‌بینند و طرد می‌شوند که خودشان به طور سیستماتیک در اجتماع هم مورد تبعیض واقع می‌شوند؛ بنابراین یکی از اقشاری که به صورت ناخودآگاه ناچار به حذف از عرصه عمومی می‌شوند، زنان هستند. در واقع تلاش زیادی باید از سوی کسانی که تحت تبعیض هستند صورت بگیرد تا بتوانند خودشان را حفظ کنند؛ حالا این افراد تحت تبعیض می‌توانند کارگرانی باشند که در این فضاها کار می‌کنند یا می‌توانند زنان و به‌ویژه زنان کارگری باشند که در هرکدام از این فضاهای شهری مشغول به کار هستند». این دانشجوی دکترای اندیشه سیاسی تأکید دارد که در واقع این افراد اولین گروهی می‌شوند که در این جامعه تضعیف و تکه‌پاره شده یا مجبور می‌شوند که خودشان آگاهانه کنار بکشند یا جامعه با فشاری که ناگزیر برای بقا و برای حفظ خود به آنها وارد می‌کند، منجر به حذف آنها می‌شوند. در واقع تمام کسانی که ضعیف‌تر هستند، اول از همه حذف می‌شوند.

پلمب به‌مثابه تقابل با فضاهای عمومی

به گفته این دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، «چه زنان فرودست و چه جامعه‌ای که تلاش کرده به نوع دیگری از سبک زندگی خود قدرت ببخشد، در حال تلاش برای حفظ جای موجود خود است تا بتواند آنچه را می‌خواهد محقق کند. در این میان به نظر می‌رسد کافه‌ها فضای خیلی مهمی برای ایجاد میدانی هستند که می‌تواند به صورت حداقلی آدم‌ها را از فضاهای منفرد و تکه‌پاره خارج کند. نهایتا آن‌قدر فشار زیاد می‌شود که خیلی از این فضاهای عمومی نتوانند به کار خود ادامه دهند. درواقع از دو حال خارج نیست؛ این کسب‌وکارها باید تصمیم بگیرند که ادامه کارشان باعث حذف و طرد بقیه شود و اگر این کار را درست ندانند، نهایتا دست به تعطیلی مجموعه خود می‌زنند، اگر هم بخواهند به شکلی که مطلوب تصمیم‌گیران است به کارشان ادامه دهند، باید هر روز با این سازوکاری که می‌خواهد اعمال قدرت کند، مواجه شوند». در راستای همین حذف فضاهای عمومی است که احتمالا گروهی تصمیم گرفته‌اند با کافه‌های منطقه‌ای خاص از شهر تهران برخورد جدی‌تری داشته باشند. چند نفر از مدیران کسب‌وکارها می‌گویند اراده‌ای وجود دارد که کافه‌های منطقه ۶ را تعطیل کنند. چنانچه مدیر یک مجموعه می‌گوید «برخوردها نسبت به مناطق متفاوت است؛ در برخی مناطق حساسیت بیشتری وجود دارد و بنابراین میزان مراجعات مأموران و تذکرها و پلمب‌ها بیشتر است اما در برخی مناطق این حساسیت کمتر است و راحت‌تر می‌شود کار کرد».

یادداشت

پلمب کسب‌وکارها به بهانه حجاب غیرقانونی است

محسن برهانی
وکیل پایه یک دادگستری

برای بررسی پلمب مراکز، مغازه‌ها، کافه‌ها و رستوران‌ها به دلیل عدم رعایت حجاب افرادی که در آن محل حضور دارند، باید ابتدا دید چه کسی اقدام به پلمب این مراکز می‌کند. سه مقام اقدام به این کار می‌کنند که در حال حاضر یکی از آنها بسیار فعال است. اولین مورد اصناف‌اند. در بند ه ماده ۲۸ قانون نظام صنفی کشور آمده است که «عدم اجرای تکالیف واحدهای صنفی به موجب این قانون:

تبصره ۱ - تعطیلی موقت واحد صنفی با اعلام اتحادیه، رأساً از طریق نیروی انتظامی به عمل می‌آید.

تبصره ۲ - هر فرد صنفی که واحد کسب وی تعطیل می‌شود، می‌تواند به کمیسیون نظارت شکایت کند. نظر کمیسیون نظارت که حداکثر ظرف دو هفته اعلام خواهد شد، لازم الاجراء است. در صورت اعتراض فرد صنفی می‌تواند به مراجع ذی صلاح قضائی مراجعه کند». حالا اصناف می‌آیند تفسیر موسعی از این بند قانونی ایجاد می‌کنند و می‌گویند یک کسب‌وکار موارد قانونی را رعایت نکرده پس باید پلمب شود.

دسته دوم ممکن است قوه قضائیه باشد؛ یعنی بازپرس بگوید در این مکانی که حجاب رعایت نشده، ابزار ارتکاب جرم است پس من این مکان را می‌بندم که جرم اتفاق نیفتد.

به نظر می‌رسد که در اتفاقات اخیر با توجه به اشکالات حقوقی که مطرح شده، نه گروه اول و نه گروه دوم در اکثر موارد اقدام به پلمب نمی‌کنند. بلکه پلیس امنیت به استناد دستور وزارت کشور، اقدام به پلمب برخی مراکز می‌کند. این نهاد در این پلمب‌ها به مصوبات ستاد حجاب و عفاف استناد می‌کند که در واقع این مصوبات را وزیر کشور به عنوان رئیس شورای امنیت کشور (شاک) به صورت محرمانه ابلاغ کرده است. همین جای ماجرا مورد اشکال است؛ مطابق ماده ۱۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که در آن آمده است «مصوبه و تصمیمی که موجد حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه‌بندی به عنوان اسرار دولتی نمی‌باشد و انتشار آنها الزامی خواهد بود»، نمی‌توانند با مصوبه‌ای محرمانه حقوق مردم و مالکیت مردم را مورد آسیب قرار دهند. جدای از این، اساسا شورای امنیت کشور حق تقنین و قانون‌گذاری ندارد؛ شورای امنیت کشور فقط شأن مشاوره‌ای دارد. باید دقت کرد که شورای امنیت کشور با شورای عالی امنیت ملی فرق دارد. طبق برخی تفاسیر مصوبات شورای عالی امنیت ملی بعد از تأیید رهبری، جنبه قانونی پیدا می‌کند اما شورای امنیت کشور اساسا این‌گونه نیست. قانون می‌گوید شورای امنیت کشور جنبه مشورتی دارد و نمی‌تواند صلاحیت تولید کند یعنی در حیطه صلاحیت قوا، نهادها و سازمان‌ها می‌تواند مشورت دهد اما نمی‌تواند مثلا به پلیس امنیت، حق پلمب‌کردن اعطا کند. ما پیش از این هم بارها این موضوع را گفته‌ایم اما توجهی نشان داده نشد تا نهایتا چند روز پیش رئیس مجلس هم به این موضوع اشاره کرد و گفت که «نیروی انتظامی ضابط است؛ نمی‌تواند حکم صادر کرده و یا جایی را پلمب کند؛ قاضی باید تصمیم‌گیری کند».

در ادامه باید به ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد که در آن آمده است: «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتی، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجارتی و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبته، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است». حتی این ماده قانونی که اختیاری برای بازپرس و دادیار به عنوان مقام تحقیق قرار داده هم می‌گوید که آنها حق بستن واحد را ندارند و باید با اجازه دادستان این کار صورت بگیرد. یعنی در نظر بگیرید که مثلا یک اغذیه فروشی که حتی غذای مسموم دست مشتریان می‌دهد و جرمش هم محرز است هم، حق مطلق برای تعطیلی‌اش ندارند و نمی‌توانند به راحتی آن را ببندند و باید برای انجام این کار از دادستان اجازه بگیرند.

با این اوصاف، در صورتی که شخصی بدون حجاب در مکانی، رستورانی، کافه‌ای باشد حتی به مقام قضائی هم حق پلمب آنجا را نمی‌دهد. بنابراین از مجموعه مطالب پیش‌گفته، نتیجه می‌گیریم که صنف فقط می‌تواند به عنوان تخلف اعلام کند و در هیئت انضباطی به بررسی تخلف بپردازد و حتی در این شرایط هم اگر تخلف محرز شود، مجازات باز هم پلمب نخواهد بود، تنها می‌توانند توبیخ کنند یا تذکر دهند.

قوه قضائیه هم نمی‌تواند اقدام به پلمب یک واحد کند چراکه حضور یک خانم بی‌حجاب هیچ مستند قانونی برای پملب آن مجموعه برای مقام قضائی به وجود نمی‌آورد. اگر هم به وجود می‌آورد، باز هم مستقلا نمی‌توانست پلمب را انجام دهد. به همین دلیل هم قوه قضائیه خودش را از این کار کنار کشیده است. قضات برجسته می‌گویند ما برای انجام چنین کاری مستند نداریم، بنابراین دست به انجام آن نمی‌زنیم. چراکه تنها اگر جرمی اتفاق بیفتد، می‌توانند پرونده قضائی تشکیل دهند. اگر خانمی بی‌حجاب در کافه‌ای مشغول خوردن چای باشد، حتی اگر کارمند کافه‌ای حجاب را رعایت نکرده باشد، جرمی از طرف کافه‌دار یا مغازه‌دار صورت نگرفته است و ربطی به آنها ندارد. نهایتا باید با شخصِ بی‌حجاب مطابق قانون برخورد شود.

حالا باز می‌رسیم به پلیس امنیت که بیش از ۹۰ درصد پلمب‌های این روزها را با استناد به مصوبات شورای امنیت کشور انجام می‌دهد که چنانچه پیش‌تر هم گفتم اساسا این دستورالعمل صادره، قابلیت استناد و اجرائی‌شدن ندارد.

به همین خاطر هم ما می‌گوییم که اگر کسی با استناد به این مصوبات اقدام به پلمب جایی کرد، اساسا مرتکب جرم شده است و واحد صنفی باید از پلمب‌کننده و وزیر کشور شکایت کند. این شکایت می‌تواند به استناد ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی صورت بگیرد. در این ماده قانونی آمده است که «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است». بر همین اساس می‌توان هم از کسی که امر غیرقانونی پلمب‌کردن را داده، شکایت کرد هم از مأموری که امر غیرقانونی آمر قانونی را اجرا کرده، شکایت کرد. قانون‌گذار می‌گوید آنها مجازات می‌شوند. این آمر و مأمور به استناد ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی که در آن آمده است «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد» مجرم هستند. علاوه بر این، این افراد به استناد ماده ۵۷۶ که در آن آمده «چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد»، می‌توانند به دلیل سوءاستفاده از موقعیت شغلی‌شان متهم شوند. حتی در ادامه کسانی که پلمب شده‌اند، می‌توانند به دلیل پلمب غیرقانونی، دادخواست برای دریافت ضرر و زیان ناشی از این اقدام غیرقانونی تقدیم مقام قضائی کرده و مطالبه دریافت ضررهای وارده به خود را مطرح کنند.